

سفرنامہ خراسان

بخط میرزا محمد رضا کلهر

نوشتہ:

ناصرالدین شاہ قاجار



انتشارات بابک

-
- ☐ سفر نامه خراسان بخط کلهر
 - ☐ نوشته ناصرالدینشاه قاجار
 - ☐ سال ۱۳۶۱
 - ☐ حق چاپ محفوظ ناشر است
 - ☐ انتشارات بابک
 - ☐ تهران - میدان انقلاب بازار ایران طبقه سوم پلاک ۹۳
 - ☐ تلفن ۹۲۲۶۱۲

در ۳۰۰۰ نسخه

چاپ افست مروی

پیدا بود نزدیک که رسیدیم معلوم شد پنج کاشته اند و در اینجا شلنوک کاری کفی دارند و بوی اینجا
خیلی کرم است زراعت غله یعنی کندم و جور ایک تا قبل از این بود که در ده این کوهی که امروز ما می
مارهای بزرگ غریب است سرشان مثل چاق خیلی کلفت و بزرگ سوارهای عقب ما خیلی بزرگ کشته
بودند معلوم شد که هزار مار بوده است خلاصه اندیم برای منزل از توی ده گذشته آب یادی بقدر پاره
سنگ می آمد که از کفارده گذشته بدنه فارسین بیرون و مجد الذوله عرض میکردیم این آب پشت این
تپه از یک چشمه بیرون می آید سرخس خیلی جای باصفایت بقدریت سنگ آب دارد بعد از بل
کوهی رود شده رسیدیم بسراپرده پیاده شدیم چادر را بر سر چشمه کوچکی زدند

روز پنجم ششم

امروز باید رفت بکاشید که خبر بلوک چاشک است راه سه فرسنگ و نیم سبکی است صبح زود از
خواب برخاسته سوار شدیم باز از راه معمول که بسنه اردو میرفت نرفته از راه و جاده دیگر را زدیم داخل
دوره شده از زیر دست ده تیلادر عبور کرده فادیم بیکه میرسیم غنای در جلوه بدت میکرد ولی
خود ما هم دیر و زار بالای کوه این سه راه را با دو برین دیده بلد شده بودیم رو شمال انده داخل دوره
شدیم تمام این زراعت شلنوک بود آب یادی دارد که میرود به سمت دهنه خمارود و این تپه
که از بالای ده تیلادر سرخس دارد و بفارسین رسیده و از فارسین نبوده فدر سنگ نرفته
انجا بکرکان میرود که تمام زراعت کرکان از همین آب و فاضل آبش را تنجی زراعت میکند خلاصه

کل آلودی داشت راه زیادی رانده تا از تنگه گذشته بوسهنگا بی رسیدیم باز این سوسنگاه هم
 دزه و همور پست و بلندی زیادی داشت سمت دست چپ باغی دیده شد پر اشجار که چشمه های
 کوچک متعددی داشت ولی جایی برای نهال خوردن و بالائی پسته های دیده که جاده هم میان
 داشت جاده را گرفته بالا رفتیم اردو هم پیدا شد رسیدیم بدو ده پاکیزه خوبی بود اسم این ده چلی
 و جزو خشک است بقدر صد و بیست خانوار بلکه زیاد تر غایت اردو خورده خوبی داشت که از
 درختهای موطن کوه و معبر آنچه بود از این هم چون جای خوبی برای پیاده شدن داشت که نشسته
 رسیدیم بدو ده های متعددی که متصل بستی سر زیر و سر بالا برویم بدو ده اول که رسیدیم ده چلی
 بود چشمه آب بسیار سردی داشت باز راه زیادی از پست و بلندی طی کرده تا رسیدیم بدو ده
 کردوی بزرگ که کن بلالائی پسته واقع بود آنجا بنهار افتادیم آفتاب گردان دهنده خورده و نیم
 تبیین و بیست چال در سمت جنوبی نشسته ده کاشیدار واقعست فاصله ما بین این دو ده همین دزه است
 که راه است همین جا که نهال خوردیم زراعت زیادی است و متعلق بواطمینان است و اطمینان ده
 که زیر این درختها واقعست از توابع خشک میباشد چون اردو پیدا بود و از دو ده هم راه
 نزدیک بنظر می آمد خیلی دیر سوار شدیم و از سمت چپ بنا کردیم بر قنبرق کمان غیرت که راه
 و طولانی باشد بمطوره که فرستیم یکده غنچه بنجر خوردیم بدو ده های سخت چلی طولانی بی بزرگ راه
 که طی شد از دزه مانده نشسته زیر دست اردو رسیدیم بنجر دزه داخل جاده شده همه جا آمد تا اردو